

**Reflection of China's economic situation in the works of Muslim writers
from the third century to the middle of the seventh century***Reza Abbasi¹ | Hamed Ghara'ati² | Hossein Yazidi³*(DOI): [10.22034/MTE.2021.9861.1392](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9861.1392)**Abstract****Original Article**

P 7 - 28

The land of China has long been the focus of historians and writers due to its vastness, history and diversity of culture and civilization. This research, looking at contemporary needs and necessities and relying on library sources and descriptive-analytical method, seeks to answer the question of what Muslim writers from the 3rd century Hijri to the middle of the 7th century Hijri provide knowledge about the economic situation and developments of this land. Muslims' knowledge about China at this point in time was based on personal observations, trusting other reporters, and in some cases based on stories and legends. One of the findings of this research is the attention of Muslim writers to goods, industries and mines, traditions and economic laws and routes, ports and commercial cities of China. The information that has good comprehensiveness and variety in terms of the subject and can tell the concerns, issues and economic attractions of this land from the point of view of Muslim writers.

Key words: Silk Road, travelogue, Muslim writers, Chinese economy, Mongol invasion.

1 - MA in Islamic History, Department of History and Political Studies, Bagher-al-Uloom University, Qom, Iran. (rabbasi2176@gmail.com)

2 - Assistant Professor, Department of Islamic History, Bagher-al-Uloom University, Qom, Iran (gheraati@bou.ac.ir)

3- Assistant Professor, Department of Islamic History, Bagher-al-Uloom University, Qom, Iran (mountain.damavand@gmail.com)

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

انعکاس اوضاع اقتصادی چین در آثار نویسندگان مسلمان از قرن سوم تا نیمه قرن هفتم

رضا عباسی^۱ | حامد قرائتی (نویسنده مسئول)^۲ | حسین ایزدی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2022.12675.1589

علمی - پژوهشی

ص: ۲۸/۷

چکیده

سرزمین چین به دلیل گستردگی، سابقه و تنوع فرهنگی و تمدنی از دیرباز مورد توجه مورخان و نویسندگان بوده است. این تحقیق با نگاهی به نیازها و ضرورت های معاصر و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سوال است که نویسندگان مسلمان از قرن سوم هجری تا نیمه قرن هفتم هجری چه آگاهی‌هایی در خصوص اوضاع و تحولات اقتصادی این سرزمین ارایه نموده‌اند. آگاهی‌های مسلمانان درباره چین در این مقطع زمانی، بر اساس مشاهدات شخصی، اعتماد به گزارشگران دیگر و در مواردی بر اساس داستان‌پردازی و افسانه‌پردازی بوده است. از یافته‌های این تحقیق توجه نویسندگان مسلمان به کالاها، صنایع و معادن، سنت‌ها و قوانین اقتصادی و مسیرها، بندرها و شهرهای تجاری چین است. اطلاعاتی که به لحاظ موضوع از جامعیت و تنوع خوبی برخوردار بوده و می‌تواند حکایتگر دغدغه‌ها، مسئله‌ها و جذابیت‌های اقتصادی این سرزمین از دیدگاه نویسندگان مسلمان باشد.

کلمات کلیدی: جاده ابریشم، سفرنامه، نویسندگان مسلمان، اقتصاد چین، حمله مغول

۱ - کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (rabbasi2176@gmail.com)

۲ - استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (gheraati@bou.ac.ir)

۳ - استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (mountain.damavand@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴



مقدمه

بررسی آگاهی نویسندگان مسلمان از تاریخ و هویت سایر سرزمین‌ها و ملت‌ها می‌تواند علاوه بر امکان ارزیابی این گزارش‌ها، تصویری جامع از جهان بینی و شناخت مسلمانان در سده‌های نخست و میانه اسلامی ارائه دهد. در این میان پرداختن به گذشته سرزمین چین صرف نظر از غنای تاریخی، از آن جهت دارای اهمیت است که جامعه امروزمین ما در حوزه‌های مختلف سیاسی و به ویژه اقتصادی مرتبط با این سرزمین بزرگ، ثروتمند و کهن است. روابطی که گرچه امروزه متأثر از تهدیدهای مشترک در عرصه تحولات جهانی می‌باشد؛ اما شایسته است به دور از اضطراب‌ها مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. اولین آشنایی مسلمانان با مردم چین در جنگ طراز(طلاس) برمی‌گردد که بین سپاهیان خلافت عباسی(۱۳۲-۶۵۶ق) و دودمان تانگ رخ داده است. از میان آثار نویسندگان مسلمان کمتر منبعی می‌توان یافت که بصورت مستقل و تفصیلی به تاریخ چین پرداخته باشد، هرچند که سلیمان سیرافی(متوفی نیمه اول قرن چهارم) در سفرنامه و کتاب سلسله التواریخ به ابعادی از تاریخ و مردمان چین پرداخته است. محدوده زمانی تحقیق حاضر به این دلیل از قرن سوم هجری انتخاب شده است که در این دوره آثار متنوع تاریخ نگاری رواج یافته و نویسندگان مسلمان از ملل مختلف به نگارش تاریخ پیرامونی خود پرداخته اند. پایان محدوده زمانی این تحقیق نیز نیمه قرن هفتم هجری تعیین شده است، چه اینکه در این مقطع خلافت عباسی با بیش از چند سده حکمرانی، توسط مغولان که از سرزمین‌های همجوار چین به جهان اسلامی حمله ور شده بودند، منقرض گشته و به تدریج دور جدیدی از حکمرانی و فرهنگ و تمدنی اسلامی شکل می‌گیرد. این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر رویکرد توصیفی در پی پاسخ به این مسئله است که بازتاب اوضاع و تحولات اقتصادی چین در منابع اسلامی از قرن سوم تا نیمه قرن هفتم هجری چگونه بوده است؟ نتایج این تحقیق خواهد توانست علاوه بر ارائه تصویری هر چند اجمالی از تاریخ اقتصادی سرزمین چین، نحوه نگرش و نگارش نویسندگان مسلمان از تحولات این سرزمین را مستعد تحلیل‌های کمی و کیفی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

فرهنگ و تمدن چین گرچه پیش از این مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما نمی توان مقاله، کتاب یا پایان نامه ای را ناظر به مسئله این تحقیق یعنی بررسی آگاهی نویسندگان مسلمان از اوضاع و تحولات اقتصادی چین حدفاصل قرن سوم تا نیمه دوم قرن هفتم معرفی نمود. با این وجود می توان برخی از مهم ترین آثاری که به تاریخ و اوضاع چین در گذشته تاریخی پرداخته اند را چنین برشمرد:

کتابها:

«چین نامه» تألیف ماتو ریچی، ترجمه محمد زمان که به زندگی و آداب و رسوم مردم چین و معرفی کالاها و مشاغل ایشان پرداخته است. کتابی دیگر با عنوان «فرهنگ اسلامی و ایرانی در چین» نوشته فنگ جین یوان و ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، فرهنگ اسلامی و ایرانی در چین را مورد کاوش قرار داده است. فیتس جerald نیز در کتابی با عنوان «تاریخ فرهنگ چین» ترجمه اسماعیل دولتشاهی نیز دین، هنر و فرهنگ چین در گذشته تاریخی را مورد بررسی قرار داده است. دیگر آثاری که به صورت عمومی فرهنگ و تمدن چین را مورد بررسی قرار داده اند عبارتند از:

۱. تمدن چین باستان، والتر فلمر، مترجم: فرزانه کریمی، انتشارات قدیانی، ۱۳۹۳
۲. فرهنگ سنتی چین باستان، چی جی جانگ، مترجم: علی محمد سابقی، بین المللی الهدی، ۱۳۹۲
۳. تاریخ چین از آغاز تا قرن ۲۱، سعید عزیزی، انتشارات سید علی زاده، ۱۳۹۷.
۴. تاریخ فرهنگ و تمدن چین، آرتور کاتریل، مترجم: مهرآه جوان، سبزان، ۱۳۹۱
۵. تمدن چین، تألیف: علی ذوالفقاری، شرکت انتشارات گوهر اندیشه، ۱۳۹۳
۶. اسرار تمدن چین باستان، بهنام محمد پناه، سبزان، ۱۳۸۸

مقالات:

۱. بررسی فرهنگ و تمدن کشور چین، نویسندگان: سوزان آقایی دوست و زینب خاص (دانشجویان کارشناسی مدیریت امور فرهنگی
۲. تاریخ چین از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله، نویسنده: سید مصطفی موسوی
۳. چین از نگاه مسعودی؛ با تکیه بر کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر، نویسنده: زهرا غلامی

۴. بحثی در مورد تاریخ فرهنگی چین: قدم‌های سنگین از سنت تا تجدد، نویسنده: لی جی گانگ،

۵. چین به روایت مسلمانان از قرن سوم تا قرن هشتم هجری، مریم سلیمانی فرد

پایان نامه‌ها:

۱. «چین در منابع جغرافیایی جهان اسلام تا پایان قرن هفتم هجری» تالیف: سیده زهرا رضویان. در این پایان نامه که نزدیکترین اثر به مقاله حاضر است؛ نویسنده دیدگاه جغرافی دانان مسلمان را نسبت به سرزمین چین، جغرافیای چین، قلمرو، شهرها، عجایب و نظایر آن بیان کرده است.

در مجموع می‌توان وجه نوآوری این مقاله در مقایسه با سایر آثار منتشر شده را در این موضوع دانست که این مقاله در پی کاوش ذهنیت جمعی نویسندگان مسلمان از اوضاع و تحولات اقتصادی در چین است تا نشان داده شود که نویسندگان مسلمان به چه میزان از جهان پیرامونی خود آگاهی داشته و این آگاهی بیشتر در چه موضوع و سطحی قرار داشته است. در حالیکه آثار پیش گفته یا به اوضاع چین در زمانهای مختلف پرداخته و یا گزارش‌های یک مورخ را از اوضاع چین ارایه کرده اند.

گونه شناسی منابع

گزارش‌های نویسندگان مسلمان در خصوص چین را می‌توان در سفرنامه‌ها، کتب تاریخ و جغرافیای عمومی و آثار ادبی و شعر شاعران پارسی گو جستجو نمود. اطلاعات آنان در باره چین از راه مشاهدات حضوری از چین مانند سفرنامه‌ها، از جمله سفرنامه سلیمان تاجر و یا بر اساس نقل قول از کسانی که به چین سفر کرده‌اند مانند: ابن فقیه (م ۳۶۵ق) و ابن حوقل (درگذشته پس از ۳۶۷ق) بوده و یا بر مبنای افسانه پردازی شکل گرفته است. مانند عجائب الهند رامهرمزی (م قرن ۴ق) که بسیاری از اطلاعات کتاب وی شکل افسانه دارد، از این رو بعضی از نوشته‌های مسلمانان دچار مبالغه و گزافه گویی شده است. آسیبی که به نظر می‌رسد به علت کم بودن روابط و مناسبات، دوری مسافت، نقل قول از واسطه‌ها و بیگانگی زبان و گویش‌ها بروز کرده است، چه اینکه کمتر می‌توان به دانشمند مسلمان غیر چینی دست یافت که به زبان چینی آشنا بوده و یا اثری به آن زبان تالیف کرده باشد. نکته مهم دیگر اینکه ارتباط این دسته از نویسندگان با چین بیشتر از طریق سفرهای دریایی و رفت و آمد به شهرها و مناطق بندری و تجاری چین بوده است. از این رو داده‌های این منابع نمی‌تواند انعکاس دهنده اوضاع و تحولات تمامی مناطق چین بوده باشد.

۱. آشنایی با چین

سرزمین چین در شرق آسیا قرار داشته و از لحاظ مساحت سومین کشور جهان بعد از روسیه و کانادا، است. این کشور با کشورهای کره شمالی، مغولستان، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، هند، نپال، برمه، بوتان، لائوس، ویتنام دارای مرز مشترک خاکی و با کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، برونئی، مالزی و اندونزی دارای مرز آبی است. از سمت شرق و جنوب نیز با دریای چین شرقی، خلیج کره، دریای زرد، و دیگر آب‌های آزاد احاطه شده است. جمعیت چین در حال حاضر به یک میلیارد و چهار صد و یازده میلیون نفر می‌رسد. مردم چین بیشتر پیرو دین بودا هستند...

درباره وجه نامگذاری چین یا «صین» نویسندگان مسلمان آراء مختلفی را مطرح نموده‌اند که بیگانه از موضوع اقتصاد و صنایع نیز نیست. به اعتقاد محمد بن عبدالمنعم حمیری (قرن هفتم هجری) عامور بن یافث بن نوح(ع) به همراه خانواده اش و با کشتی به سوی چین مهاجرت کرده است. او و پسرش شهرهایی ساخته و قانون و جزئیات حرفه و صنعت‌ها را وضع نمودند، و بدلیل اینکه اسم فرزندش صاین بود این سرزمین را صین (چین) نامیدند(حمیری، ۱۹۸۴: ۳۷۰). یاقوت حموی نیز دلیل نامیده شدن این سرزمین به صین را مهاجرت و سکونت صین و بُعبر پسران بغبر بن کَماَد بن یافث در این سرزمین دانسته است(یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۴۴۰) بکری نیز علت نامیدن این سرزمین به صین را سکونت صائن بن عامور بن سوبل بن یافث در این سرزمین دانسته است(بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۵۶).

با مروری بر منابع تاریخ اسلام جنگ طراز نخستین رویارویی نظامی مسلمانان با چینیان بود. ابن اثیر چگونگی واقع شدن جنگ میان اعراب و چینیان را اینگونه روایت کرده است: «در آن سال اخشید فرغانه (شهریار) با شاه (شاش) کین ورزید، اخشید از پادشاه چین باری خواست. او صد هزار مرد جنگی بمدد وی فرستاد. پادشاه «شاش» را محاصره کردند و او به حکم پادشاه چین تسلیم شد. پادشاه چین به او و یارانش آزار نرسانید. چون خبر تسلیم آنها را ابو مسلم شنید، زیاد بن صالح را با لشکری به جنگ آنها فرستاد. بر کنار رود «طراز» مضاف رخ داد مسلمین بر آنها چیره شدند و تعداد پنجاه هزار تن کشتند و بیست هزار اسیر گرفتند و سایرین گریختند و به چین پناه بردند. این واقعه در ماه ذی الحجه سنه صد و سی و سه رخ داد»(ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۵: ۴۴۹) ابن اثیر درباره مهاجرت و کوچ اجباری گروهی از مسلمانان به سرزمین چین آورده است: «در آن سال ابو داود بن ابراهیم سوی ختن لشکر کشید. حبیش بن شبل در يك قلعه بست نشست. جمعی از دهقانان و بزرگان با او بودند. ابوداود بر او

اصرار کرد که خارج شود او خارج شد دهقانان و چاکران و اتباع او که در تحصن وی شرکت جسته بودند، وفاداری کرده با او خارج شدند همه متفقا راه «فرغانه» را گرفتند تا به ترکستان رسیدند و باز سیر خود را ادامه دادند تا به چین رسیدند. ابوداود در عرض راه هر که را اسیر کرد نزد ابو مسلم فرستاد. این نخستین هسته اسلام و نفوذ مسلمین در کشور چین بود و بعد از آن گروه دیگری رفتند تا زمان مغول که سید اجل از بخارا به چین رفت و اسلام را منتشر نمود». (همان: ۴۴۸) البته تشخیص این که مهاجرت این گروه از مسلمانان به چین، قبل یا بعد از نبرد «طراز» بوده بسیار سخت است. اما به هر روی می‌توان به صورت تخمینی ورود مسلمانان به چین را در دوران حکومت سلسله تانگ و سونگ دانست که به عنوان بازرگان وارد این سرزمین شدند. (فیتز جرال، ۱۳۶۷: ۳۳۷) دلیل مهم روابط مسلمانان در گذشته با کشور چین اقتصاد و تجارت بود که عمدتاً از طریق جاده ابریشم انجام می‌گرفت. این جاده مجموعه‌ای از راه‌های بازرگانی بود که کالاهای زیادی از این طریق بین شرق و غرب آسیا و حوزه مدیترانه مبادله می‌شد و چون ابریشم مهم‌ترین کالایی بود که از این جاده می‌گذشته این جاده به نام جاده ابریشم شناخته شده است. (عنایت زاده، ۱۳۹۳، ج ۱۷: ۲۵۰) جاده ابریشم مسیر طولانی را از «چانگ آن» در چین تا کناره‌های دریای مدیترانه و سیاه طمی می‌کرده است. (عنایت الله، ۱۳۷۶ش: ۲۰۲) ابریشم نیز از راه‌های متعددی به دریای مدیترانه وارد می‌شد. بعضی از راه‌ها از گذشته‌های دور وجود داشته از جمله راه شاهی که از زمان هخامنشیان و قبل از آن احداث شده بود و بعدها شامل بخش غربی جاده بزرگ ابریشم شد. (همان) همزمان با ساخته شدن و تشکیل شهر بغداد و توسعه و رونق دو بندر بصره و سیراف فعالیت اعراب و ایرانیان مسلمان در کار بازرگانی گسترش پیدا کرد. اساس آبادانی، شکوه و رونق دو بندر بصره و سیراف و دیگر بازارهای دوران اسلامی بیش از هرچیز مرهون تجارت مستقیم با دو سرزمین هند و چین بوده است. (قره چانلو، ۱۳۸۰ش: ۱۰۴) از نشانه‌های رونق روابط تجاری مسلمانان با چین را می‌توان شهرت بندر سیراف به دروازه چین دانست. (مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۶۳۶)

۲- درآمد شاهان چین

سیرافی آورده است درآمد شاه چین علاوه بر مالیات سرانه، درآمد حاصل از انحصار خرید و فروش کالا است. این کالاها عبارت بودند از: معادن نمک و گیاهی به نام ساخ (چای) که در تمام شهرها به قیمت گزافی فروخته می‌شد، بنا به گفته وی این درآمد روزانه مبلغ پنجاه هزار دینار (معادل پول مورد نظر در بازار اسلامی) بوده که به خزانه شهر خانقو، وارد می‌شد. بنابراین تمام موجودی

خزانه عبارت بودند از: مالیات و درآمد حاصل از خرید و فروش انحصاری نمک و چای. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۴۲)

لازم به ذکر است که منابع مالی هر حکمران مبتنی بر خزانه اختصاصی همان منطقه یا شهر بود. (همان) در ادامه سیرافی در توصیف فعالیت‌های اقتصادی حکمرانان آورده است که در بدو ورود تجار ابتدا کالاهای مورد نظر پادشاه خریداری شده و قیمت آن به صورت نقد به تجار داده می‌شد. حکمرانان به جهت رونق اقتصادی و تجاری شهر و منطقه خود تلاش داشتند که به تجار ظلمی روا داشته نشود. از جمله کالاهای مورد پسند چینیان کافور بود که هر من (معادل سه کیلو) آن را به پنجاه فکوج^۱ می‌خریدند، اگر پادشاه کافور را نمی‌خرید بهای آن در چین به نصف قیمتی می‌رسید که در خارج چین بود. (همان: ۳۹)

۳- صدور اجازه سفر توسط حکمرانان

سیرافی آورده است که در چین هر کس می‌خواست به سفر برود باید اجازه سفر داشته باشد و از وظایف پادشاه صدور اجازه سفر بود. هر کس قصد داشت در چین از جایی به جایی دیگر سفر کند از پادشاه و خواجه شهر خود دو نامه می‌گرفت، نامه پادشاه برای طول مسیر و سفر بود. در این نامه، نام شخص مسافر، سن او، همراهان و نام قبیله آنها آمده بود. تمام ساکنان چین اعم از چینی، عرب و دیگران ناگزیر باید به چیزی منسوب باشند که به آن شناخته شوند؛ اما نامه خواجه درباره مال یا ثروت و کالای همراه مسافر است. این نامه برای آن است که در راههای چین پاسگاههایی وجود داشتند که آن دو نامه را نگاه می‌کردند، پس هرگاه مسافری به آن پاسگاهها وارد می‌شد، می‌نوشتند، فلانی پسر فلان، از مردم فلان شهر در فلان روز و فلان ماه و فلان سال و همراهش فلان مقدار مال، بر ما وارد شد، نامه خواجه و بازرسی و ثبت بین راه برای آن است که مال و ثروت آن شخص از دست نرود و از کالایش چیزی نابود یا گم نشود، از این رو هر گاه از او چیزی مفقود شود یا او خود بمیرد، معلوم می‌شد که مال او چه شده است تا به او یا بعد از او به ورثه‌اش برگردانند. (همان)

۴- حرفه، صنعت و صنایع مردم چین

مردم چین در ساخت صنایع دستی، سابقه ای دیرینه داشته‌اند. در فرهنگ و تمدن اسلامی نیز

۱. هر فکوج برابر هزار فلوس و ارزش هر هزار فلوس برابر با یک مثقال طلا بوده است.

آثاری از هنر و صنعت آنها و تاثیرپذیری از برخی هنرهای آنها دیده می‌شود. مهارت چینی‌ها در حرفه و صنعت به نحوی بود که هر گاه می‌خواستند از صنعت شهری تعریف کنند آن را به چین تشبیه می‌کردند. «خراسان را هوایی خوب است و آبی گوارا و خاکی سالم و میوه‌هایی خوش طعم... مردم خراسان در استوارکاری صنعت‌ها چنانند که گویی خراسان بهره‌ای است از چین» (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۶۰۵) ابن فقیه (۳۶۵ ه.ق). مردم چین را اهل صنعت معرفی کرده که کالاهایی از قبیل حریر، ظروف چینی و انواع زین تولید می‌کردند. (ابن فقیه، ۱۳۷۹ ش: ۲۳۰) بکری (۴۸۷ ه.ق) و سیرافی نیز مردم چین از ماهرترین مخلوقات خداوند در کار و صنعت توصیف کرده‌اند. (بکری، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۶۰؛ سیرافی، ۱۹۹۹: ۶۰) سیرافی امتیاز ویژه مردم چین را ابداع و نوآوری در هنر، صنعت و تولید دانسته است. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۶۰) ابن فقیه نیز متأثر از باورهای کلامی مسلمانان معتقد است که خداوند مردم چین را اهل صنعت قرار داده و کالاهایی ممتاز همچون حریر، ظروف چینی و انواع زین و ابزارهای استوار عجیب و شگفتی که به زیبایی و خوبی ساخته می‌شد به آنها عطا نموده است. ابن فقیه در ادامه آورده است که یکی از کالاهای تجاری چین مشک است؛ اما مُشک آنها خوب نیست. او دلیل این نامرغوبی را فاسد شدن به دلیل دوری راه و رطوبت کشتی‌ها دانسته است. (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۵۱۲) یعقوبی نیز در مقام توصیف این کالای چینی آورده است که بهترین مُشک‌ها از برای تبت بوده و بعد از آن مشک سغدی و سپس مشک چینی، که از خانفو آورده می‌شده است. (یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۱)

از دیگر کالاهای تجاری چین پارچه ای موسوم به خاوخیر چینی،^۱ دیبا، غضاره،^۲ دارصینی،^۳ غمر^۴ کاسه چینی و کاغذ چینی بوده است. (مجهول، ۱۴۲۳ق: ۱۷۹) سنگ یشم از دیگر منابع اقتصادی سرزمین چین بوده است که البته در مرزها و ثغور ترکستان قرار داشته است. سنگ دیگری نیز از معادن چین استحصال می‌شده که از نظر رنگ و بو به یشم نزدیک بوده؛ اما نرم‌تر که به آن یاش می‌گفتند و سنگ دیگری نیز بوده که از دو سنگ قبلی نرم‌تر و به آن یشب می‌گفتند. (بکران، ۱۳۴۲ش: ۹۸) از دیگر کالاهای چینی به آلیاژی از آهن به نام طالیقون اشاره شده که به لحاظ ارزش و قیمت بسیار گرانتر از نقره بوده است. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۵۵)

۱. نوعی پارچه که به صورت خاوخیر نیز ضبط شده است. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا

۲. نوعی سفال که به رنگ سبز بوده است. ابن فقیه، البلدان، ص ۵۱۲.

۳. معرب دارچینی یا دارچین شاخه درختی است که منبع آن جزیره سیلان بوده است. (ابن فقیه، البلدان، ص ۵۱۲)

۴. پارچه‌هایی که از پوست سمندر ساخته می‌شده است.

صنعت سفالگری و ساخت ظروف از دیگر صنایع مشهور صنعتگران چین بود. قزوینی پس از توصیف این صنعت در چین آورده است که برخی از این ظروف به دلیل موادی که در ساخت آن به کار رفته بود دارای خواصی ممتاز بودند، به عنوان نمونه ظروفی در چین ساخته می‌شد که زهر آگین بودن غذاها را مشخص می‌ساخت. (رامهرمزی، ۲۰۰۹: ۵۴) سیرافی دیگر نویسنده مسلمان از ساخت ظروف چینی به نازکی شیشه خبر داده است. ظروفی که با اینکه از سفال بود اما محتویات خود را هرچند آب باشد نشان می‌داد. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۳۹)

نویسندگان مسلمان علاوه بر صنایع پیش گفته به صنایع دیگری همچون ریخته‌گری، زرگری، ساخت قالب سکه، ذوب کردن فلزات، رنگرزی، حکاکی، تراشیدن چوب و سنگ، مجسمه‌سازی و بافندگی به اجمال اشاره نموده و در یک توصیف کلی آنها را صنعتگرانی توصیف نموده‌اند که از هر شی و فرصتی برای ساختن و خلق کردن سود می‌جسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۱۹۳) چینی‌ها در بافتن پارچه‌های ابریشمی نیز تبحر داشتند به طوری که رامهرمزی از قول کاوان آورده است که روزی فغفور پادشاه چین او را به بوستانی برده و او با دیدن مناظری که بوسیله پارچه‌های ابریشمی ایجاد شده بود بسیار متعجب و شگفت زده شده است. (رامهرمزی، ۲۰۰۹: ۱۱۲)

ابو عبد الله محمد بن ابی بکر زهری (۵۴۱ ه ق) از بعدی دیگر صادرات مردم چین را مورد کاوش قرار داده و علاوه بر کالاهای معمول تجاری، از دانش و مهارت‌های ایشان نیز به عنوان صادرات مردم چین یاد نموده است. او می‌نویسد: «مردم چین ستاره شناس بودند و دارای معرفت و زیرکی و نسبت به طلسمات و جادوگری آگاه بودند و بوسیله آن در امور زندگی خود تفل می‌زدند» همچنین آورده است که «خوارزمی علم طلسمات را از چین به عراق آورد، همانطور که آینه را از چین آورد. چینی‌ها چنان به صنعت آینه‌بینی^۱ مسلط بودند که کوچک و بزرگ آنها از دنیا نمی‌رفت مگر اینکه از این صنعت چیزی یاد می‌گرفت». (زهری، ۱۳۸۲ش: ۵۶)

۵- هنر نقاشی و تصویرگری

مسعودی پس از توصیف ارزش و جایگاه هنر و نقاشی در چین به قانونی اشاره می‌کند که به نظر

۱. آینه‌بینی، گونه‌ای از جادوگری برای کسب اطلاع از عالم غیب بوده است. شخص آینه‌بین به کمک واسطه‌ای که معمولاً کودک خردسالی است، به سطح آینه نگاه می‌کند و با تفسیر وقایع، به اصطلاح، از حقایق ناپیدا پرده برمی‌دارد. معمولاً افرادی که اموال آنها به سرقت رفته است، برای یافتن هویت دزدان دست به دامان آینه‌بین می‌شوند. آینه‌بینی پدیده‌ای جهانی است و می‌توان آن را همچون گونه‌ای از فال‌گیری دانست. (محمد علی جودکی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ش)

می‌رسد در تعالی این صنعت نقش موثری داشته است. به گفته او سنتی در میان چینیان رایج بود که بر اساس آن پادشاه از ابداعات و آثار هنری بدیع و فاخر تقدیر به عمل آورده و خالق آن را با هدایای ارزشمند مورد تشویق قرار می‌داده است. در این گونه موارد پادشاه فرمان می‌داد تا آن ساخته را از همان زمان به مدت یک سال بر دروازه کاخش بیاویزند و اگر کسی بر آن عیبی نمی‌گرفت صنعتگر را پاداش می‌داد و او را در زمره صنعتگرانش در می‌آورد و اگر در آن عیبی مشاهده می‌شد آن مصنوع را دور می‌انداخت و صنعتگر را پاداشی نمی‌داد. (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۶۵) این سنت به نوعی روحیه نقادی و آسیب شناسی صنایع را در میان صنعتگران تقویت نموده و ایشان را به دقت و اهتمام نسبت به صنایعی که ابداع می‌نمودند وا می‌داشت. به عنوان نمونه «مردی از ایشان (چینیان) خوشه گندمی را که گنجشکی روی آن نشسته بر لباس حریری نقش کرد چنان که بیننده به آن شك نمی‌برد که آن خوشه گندم واقعی است و گنجشکی که بر آن نشسته، مصنوعی است. مدتی گذشت تا مردی گوژپشت بر آن نقش گذر کرد و از آن عیب گرفت. او را به نزد پادشاه آن شهر بردند و صورتگر آن نقش را حاضر کردند. در باره عیب آن نقش از گوژپشت سؤال کردند، او پاسخ داد که همه مردم می‌دانند که اگر گنجشک روی خوشه گندم بنشیند آن را خم می‌کند ولی این صورتگر خوشه گندم را کاملاً راست و بدون خمیدگی نقش کرده و گنجشک را روی آن ایستاده کشیده، و این خطا است. سخن گوژپشت را تصدیق کردند و پادشاه صنعتگر را پاداشی نداد، و هدف ایشان از این کار تمرین و ممارست هر چه بیشتر کسانی است که این صنعت‌ها را پدید می‌آورند تا ناچار شوند در آنچه با دست می‌سازند بیشتر بیندیشند». (مسعودی، همان؛ سیرافی، ۱۹۹۹: ۶۰؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۵۵) ظرافت و مهارت نقاشان چینی در مرتبه ای قرار داشت که ایشان در اثر خویش حالت خنده، استهزاء، سرزنش و شگفتی را از هم جدا می‌ساخته و هر یک را به نحوی نشان می‌داده‌اند. (رامهریزی، ۲۰۰۹: ۵۴)

۶- تجارت و بازرگانی

محورهای اصلی تجاری در چین از دو مسیر خشکی و دریا انجام می‌پذیرفت. که بعدها این مسیرها به جاده ادویه یا ابریشم شهرت یافتند. جاده خشکی ابریشم «چانگ آن»^۱ در چین را با عبور از بلخ، بخارا، سمرقند، مرو، نیشابور، دامغان، همدان، بغداد، دجله و شامات به اروپا مرتبط می‌ساخت. جاده ادویه نیز که از هندوستان شروع می‌شد، عمدتاً پس از گذشتن از سواحل مکران در جنوب ایران

۱. Chang'an یا چانگ آن همان شهر «سی ان» امروزی می‌باشد. این شهر پایتخت امپراتوری هان بود. (علی اکبر خطایی، خطای نامه،

و خلیج فارس به ایالت جبال رسیده و به جاده ابریشم می‌پیوست. (یاقوت حموری، ۱۹۹۵، ج ۵: ۱۸۰) یاقوت حموی درباره تجارت مردم چین با بغداد آورده است: بغداد بازاری بود که بازرگانان چین با فروش کالاهای خود در آنجا سود کلانی می‌بردند. (همان، ج ۱: ۴۵۹) بازرگانان چینی، بیشتر کشتی‌های خود را از بندر سیراف بارگیری می‌کردند، زیرا کالاها را از بصره و عمان و دیگر نقاط به سیراف می‌بردند، و بر کشتی‌های چینی در سیراف بار می‌کردند. انتخاب سیراف برای باراندازی کالاهای تجاری به دلیل بسیاری امواج و کم (عمقی) آب در برخی از مسیرها و بندرها بوده است. (سیرافی، ۱۳۸۱ ش: ۵۶)

شمال چین، صحرا و بیابان است و به سببری ختم می‌شود و شرق و جنوب چین را اقیانوس آرام، هند و خلیج بنگال احاطه کرده است. وضعیت اقلیمی و جغرافیایی غرب چین به گونه‌ای نبوده که مردم آن منطقه بتوانند با مردم دیگر سرزمین‌های مجاور خود روابط نزدیک داشته باشند، به همین دلیل سالیان درازی دروازه‌های چین به روی ملل غیر بومی بسته بود، لیکن به تدریج توسط بازرگانان شرقی روابط تجاری رونق گرفت و چینیان نیز از آن استقبال کردند. (همان) بر اساس شواهد و گزارش‌های موجود مسیر دریایی از خلیج فارس به بندر خانفو (کانتون) طولانی‌ترین مسیری بوده که مسلمان آن را طی می‌نموده‌اند. در سده‌های نخستین اسلامی و در منابع چینی از کشتی‌های «پوسه» (ایرانی) گزارش‌های متعددی نقل شده است. «چینی‌ها ایرانیان را زرتشتیان پارسی‌گو و مسلمانان عرب زبان ایرانی را «تاشیه» می‌گفتند. یکی از نخستین گزارش‌های چینی‌ها از ایران مربوط به سال (۵۱ هـ ق) است. در این سال جهانگردی چینی به نام «ای‌چینگ»^۱ در بندر خانفو سوار بر کشتی پوسه شده و به سوی جنوب به بهوگه (پالم بانگ) در سوماترا رفت. در ماجرای دیگری به سال (۱۰۹ هـ ق) درباره پوسه آمده است که مسلمانان در کشتی‌های بزرگ به کشور «هان» یعنی چین دریانوردی می‌کنند و مستقیماً به بندر خانفو برای تهیه اجناس ابریشمی می‌روند. به طوری که در سال (۱۳۱ هـ ق) آبادی بسیار بزرگی از مردم پوسه در جزیره هاینان وجود داشته است. در حوادث سال (۱۴۱ هـ ق) در تاریخ سلسله تانگ آمده است که مردم تاشیه (اعراب) و پوسه با هم شهر بندری خانفو را تاراج کردند و سوزاندند و از راه دریا برگشتند». (سیرافی، ۱۹۹۹: ۳-۴)

اساس صادرات چین متکی بر ابریشم بود. تولید و صادرات ابریشم قرن‌های متمادی در انحصار چینی‌ها بود و آنها اجازه نمی‌دادند که این صنعت و به ویژه تخم کرم ابریشم در اختیار رقبای تجاری قرار گیرد. چینی‌ها مزارع پرورش کرم ابریشم و باغ‌های بزرگ توت برپا نموده بودند. اگرچه ابریشم در

چین ارزان بوده و اکثر مردم چین و حتی فقرا جامه ابریشمی به تن داشتند؛ اما در سرزمینهای دیگر معادل وزن ابریشم طلا پرداخت می‌شد. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۷۸) قسمت دیگر کالاهای وارداتی چین عبارت بود از: پوست پلنگ، کاسه لاک پشت، شاخ کرگدن^۱، عاج فیل، صمغ کندر، شمش‌های مس، مفرغ، عود، کافور^۲، گردو، حریر که از اقصی نقاط جهان تهیه می‌شد و وارد چین می‌گردید و مردم با این کالاها معامله می‌کردند. واردات چین توسط بازرگانان مسلمان شامل کالاهای متعددی می‌شد از قبیل: گلاب و انواع عرقیات مانند تارونه^۳، بومادران^۴، عرق زعفران، عرق بیدمشک، عرق سوسن و انواع عطریات چون عطر بنفشه، نیلوفر، نرگس و زنبق^۵، بادرنگ، بهار نارنج، مرزنجوش^۶، زردچوبه، خرما، شکر و انواع پارچه‌های کتان، پشمی، پنبه، پرده، انواع سنگ‌ها و فلزات گران بهاء همچون فیروزه، طلا، نقره، الماس، مروارید، سنگ آهن و نمک، قالی و قالیچه و بسیاری چیزهای دیگری که وارد چین می‌شد. (مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۲)

از دیگر صادرات چین مُشک را می‌توان نام برد؛ اما مُشک چینی در آن دوران نسبت به مُشک^۷ تبت چندان مرغوبیتی نداشت. مرغوبیت مشک تبت دو علت داشت؛ آهوی مشک‌دار تبت از «سنبل الطیب» تغذیه می‌کند؛ ولی آهوان ناحیه چین از علف‌های دیگر می‌خورند. دومین ویژگی مشک تبتی بر چینی آن است که تبتی‌ها نافه مشک را به همان صورت طبیعی خود عرضه می‌کنند، ولی چینی‌ها در آن غش می‌کنند. همچنین سفر دریایی چینیان سبب مرطوب شدن مشک و تنزل کیفیت آن می‌شود. به اعتقاد سیرافی اگر چینی‌ها مشک را در درون نافه به حال خود باقی گذاشته و آن را در کاسه‌های سفالی قرار داده درب آن را محکم ببندند و به سرزمینهای عربی بیاورند، به خوبی مشک

۱. مردم چین از شاخ کرگدن که از هندوستان آورده می‌شد کمربندهایی می‌ساختند که از سیصد تا چهار هزار دینار ارزش داشت. (ابن خردادبه، ص ۶۸)
۲. ماده معطر جامدی که از ریحان، بابونه و درخت سینا استخراج و آرامش بخش و مقوی قلب و ضد سردرد و قاطع شهوت است و برای مومیایی نیز استفاده می‌شد. (معین، ۱۳۸۳ش، ۷۸۷ص)
۳. تارونه همان عرق شکوفه خرماست که دارای طبیعت گرم و برای دردهای معدی و قلبی مفید می‌باشد
۴. گیاهی با برگ‌های بریده و گل‌های خوشه‌ای مرکب و سفید و خوشبو (معین، همان، ۱۹۳)
۵. زنبق گیاه معطر با گل رنگین و برگ‌های شمشیری (همان: ۵۳۶)
۶. مرزنجوش یا مرزنگوش گیاهی است معطر یا با شکوفه‌های سفید سرشار از ویتامین ث و مفید برای دردهای گوارشی و روماتسمی. (ولاگ و استودولا، ۱۳۹۲: ۲۰)
۷. مشک ماده‌ای معطر با بوی تند به رنگ قهوه‌ای و لزج است که از کیسه کوچک مجاور عضو تناسلی آهوی نر ختایی گرفته می‌شود و در تجارت به دو شکل عرضه می‌گردد: یکی مشک‌کی که در کیسه مشک (نافه) است و مرغوبتر است و دیگری مشک‌کی که از نافه خارج و با مواد دیگر مخلوط می‌گردد. (معین ۱۳۸۳، ۹۸۵)

تبتی خواهد بود. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۷۵) برخی کالاهای صادراتی دیگر چین عبارت بودند از: انواع ظروف، زین، اسب، سفال سبز، دارچین، عود^۱، گیاهان دارویی، پارچه ابریشمی زردوزی، پشم، مامیران^۲، کاغذ و شوره^۳. (ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۳۱؛ طوسی، ۱۳۴۵ش: ۲۴۲)

۷- شهرها و کانون‌های اقتصادی چین

درباره شهرهای تجاری و مرکز کالا و بازرگانی در منابع اسلامی نیز اطلاعاتی آورده شده است و در نوشته‌های اسلامی به شهرهای اقتصادی و تجاری چین پرداخته‌اند، یکی از شهرهای اقتصادی و تجاری شهر خانفو بوده است. سلیمان تاجر^۴ (قرن ۴ه ق) درباره شهر خانفو که بندر تجاری بوده گفته است که این شهر مرکز تجارت مسلمانان و چینی‌ها بوده و به دلیل حمله و چپاول دزدان دریایی، آتش سوزی‌ها و غرق شدن کشتی‌ها، در مقاطعی تجارت در این شهر با مشکل مواجه می‌شده است. از این رو در این گونه موارد مسیرهای تجاری به سوی دیگر سرزمین‌ها مانند یمن تغییر می‌یافت. در مواردی نیز ضرورت تعمیرکشتی‌ها اقامت تجار در خانفو را طولانی می‌نمود. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۲۳-۲۴) یعقوبی نیز در باره شهر خانفو آورده است که خانفو شهری بزرگ و یکی از شهرهای بندری چین بوده است و کشتی‌های بازرگانان مسلمان در آن توقف می‌کرده‌اند. (یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۲۰۸) ابودلف (قرن چهارم هجری) از دیگر نویسندگان مسلمان معتقد است: «پایتخت پادشاه بزرگ (شهر) خمدان می‌باشد در صورتیکه شهر بازرگانان و محل کالای بازرگانی خانفو (کانتون) نام دارد و بطول چهل فرسخ است. (ابودلف، ۱۳۵۴ش: ۱۸)

کاشغری یکی دیگر از قطب‌های اقتصادی چین بوده است. حمیری این شهر را پر نعمت و آباد و دارای انواع تجارتها و کالاهای فراوان توصیف نموده است. (حمیری، ۱۹۸۴: ۲۱۱) سیلا به عنوان مرکز داد و ستد طلا (مجهول، ۱۳۱۸: ۴۸۱) و شهر بَغْشُور از دیگر شهرهای اقتصادی چین است که مورد توجه نویسندگان مسلمان قرار گرفته است. (مجهول، ۱۴۲۳: ۷۸) در کتاب حدود العالم نیز شهر کوچک کچان به عنوان مرکز تجاری بازرگانان چین و تبت دانسته شده است. (همان)

۱. عود چوب گیاهی است قهوه ای رنگ که از سوختن آن بوی خوشی متصاعد می‌شود. (معین، ۱۳۸۳، ص ۶۱۹)

۲. مامیران گیاهی که شیره آن مسهل و عصاره اش برای رفع زگیل و تومور سرطانی تجویز می‌شد (همان، ص ۹۰۷)

۳. شوره جسم سفید بلوری شبیه نمک که از شوره زار است و برای ساختن باروت به کار می‌رود. (همان، ص ۶۳۰)

۴. تاجر، نویسنده و جهانگردی مسلمان و ایرانی که در بندر سیراف به دنیا آمد وی به هند و چین سفر کرده و در حدود سال ۸۵۰ میلادی سفرنامه اش را به نگارش درآورد.

حضور و فعالیت بازرگانان خارجی در شهرهای اقتصادی و تجاری چین ابعاد اجتماعی و فرهنگی جدیدی را نیز به دنبال داشت. به طوریکه حسن بن زید سیرافی آورده است که اعراب مسلمان که «تاشیه» نامیده می شدند، مانند يك جامعه بیگانه در شهر خانفو سکونت داشته اند. او همچنین آورده است که در مقابل حضور اعراب مسلمان و ایرانیان در چین، بازرگانان چینی نیز از ابتدای قرن سوم هجری، حضور پر رنگی در خلیج فارس یافتند. از حدود سال (۲۶۴ ه ق) به سبب اغتشاشات داخلی در سرزمین چین، بندر خانفو ویران شده و مسلمانان زیادی کشته شدند در پی این حوادث مناسبات دریایی چین و شرق نزدیک دچار اختلال شده و کشتی‌های بازرگانی دو طرف در شهر گُلا (کُله) در میانه مسیر چین و شرق نزدیک به مبادله کالا و تجارت می‌پرداختند. (سیرافی، ۱۳۸۱: ۲۴) در کتاب سلسله التواریخ، جرج حورانی روایتی از مروری نقل می‌کند که برخی مسلمانان شیعه از آزار و شکنجه والیان خراسان فرار کرده بودند و در جزیره‌ای در یکی از رودخانه‌های بزرگ چین ماندگار شدند. اینان در زمانهای بعد میانجی داد و ستد میان چینی‌ها و بیگانگان بودند. (همان: ۲۵؛ حورانی، ۱۳۳۸: ۸۵) بنا بر توصیف نویسندگان مسلمان در مقاطعی به دلیل درگیری‌ها و آشوب‌های داخلی چینیان شهرها و مناطقی بیرون از چین همچون مالزی و سیلان به محل مبادلات بازرگانی چینیان تبدیل شده بود. (سیرافی، ۱۳۸۱: ۱۱۵)

۸- راه آبی ابریشم و فعالیت دریانوردان مسلمان ایرانی و عرب

تجارت ابریشم و کالاهای چین با کشورهای دیگر مانند ایران، روم و غیره، سابقه‌ای طولانی دارد و چون تجارت ابریشم مهم‌ترین کالایی بود که در این مسیر مبادله می‌شد به راه ابریشم معروف شد. در گذشته بدلیل مشکلات در مسیر خشکی جاده ابریشم، تجار و بازرگانان مجبور بودند که از مسیر دریایی و آبی به تجارت و داد و ستد کالا بپردازند. از راه دریا نیز مسلمانان تجارت را گسترش داده و برخی شهرهای مسلمان نشین در چین ایجاد کردند که از جمله این شهرها بندر کانتون (خانفوا) در جنوب چین بود. افرادی مثل سلیمان سیرافی، ابوزید سیرافی، ابن وهب قریشی، تاجر سمرقندی و غیره به این شهر و شهر خمدان پایتخت آن، مسافرت کردند. (همان: ۶۹-۱۱۶) مهم‌ترین بارانداز این سوی راه ابریشم خلیج فارس بود و بندر ابله مهم‌ترین بندر خلیج فارس در قسمت شمال غربی بود. اهمیت این بندر بدین دلیل بود که شاهراه دریایی بود و کشتی‌های بزرگ دریانوردی به آنجا می‌رفتند، در واقع ابله لنگرگاه کشتی‌های دریانوردی بود که از عمان، بحرین، فارس، هند و چین به آنجا می‌آمدند. (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۱۱۷) این خردآبه نیز درباره راههای تجارت و بازرگانی شرق و

غرب آورده است: «بازرگانان و تجار اگر بخواهند کالاهای خود را از فرنگ از راه دریای غربی (مدیترانه) حمل می‌کنند و در انطاکیه آن را به خشکی منتقل می‌کنند و بعد از طی کردن سه مسیر در خشکی در جاییه به فرات می‌رسند و از آنجا از راه آبی فرات به بغداد و از راه آبی دجله به ابله می‌روند و از ابله راهی عمان، سند، هند و چین می‌شوند که همه اینها به هم متصل می‌باشند» (ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۱۵۴) بلاذری نیز آورده است که بندر ابله در زمان کشور گشایی مسلمانان، بندری برای سفر به چین و هند و بحرین بوده و کشتیهای آنها را سفن صینییه می‌خواندند. (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۳۳) بندر دیگر در مسیر آبی ابریشم بندر سیراف بود که این بندر بر کرانه خلیج فارس واقع شده بود. نویسندگان مسلمانی مانند سلیمان سیرافی، مسعودی و دیگر نویسندگان درباره این بندر مطالبی را ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه سیرافی آورده است: «سیراف توقفگاه کشتی‌های چینی و مرکز تجارت چین با سرزمین‌های اسلامی است و صادرات و واردات این سرزمین‌ها در سیراف می‌باشد و آنچه به چین صادر می‌شود در این بندر بر کشتی‌ها بار می‌شود» (سیرافی، ۱۳۸۱: ۵۶) بندر دیگر در مسیر آبی ابریشم بندر صنف است که قزوینی در باره این بندر نوشته است ولایتی است از هند یا از چین. عودی در آنجا رشد می‌کند که آن را «عود صنفی» گویند و بدترین اقسام عود است و ما بین آن و هیزم، هیچ فرقی نیست. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۹۷) کشتی بعد از خارج شدن از صنف به صندرفولات رفته که جزیره‌ای است در دریا و پس از ده روز به آنجا می‌رسند و سپس در دریای صنجی (چین) حرکت کرده به دروازه‌های چین می‌رسند و بعد از عبور از این دروازه‌ها در بندری که خانفو نامیده می‌شود توقف می‌کنند. (رامهرمزی، ۲۰۰۹: ۱۰۷) بندر دیگری که در مسیر آبی ابریشم قرار داشته و مرکز تجارت تجار ایرانی و اعراب با چینی‌ها بود، بندر کانتون بود. این بندر از لحاظ بازرگانی و تجاری قدمت و سابقه طولانی دارد و همانطور که پیش از این گفته شد اتفاقات و حوادث زیادی در این بندر رخ داده است؛ حوادثی مانند آتش سوزی در سال ۷۵۸م که قبل‌تر به آن اشاره شد. از کسانی که این مسیر آبی را شخصا تجربه نموده‌اند، سلیمان تاجر است. وی از سیراف، از راه دریا تا مسقط رفته و از آنجا به کلم، بر ساحل مالابار، رسیده سپس از تنگه یالک در شمال جزیره سیلان و خلیج بنگال گذشته تا جزیره لنکبالوس (یکی از جزایر نیکوبار) رفته و از آنجا به کلبره بر ساحل غربی مالایا پیش رفته و از آنجا به جزیره تیومن در جنوب غربی مالاکا و از آنجا به دماغه سن ژاکوب نزدیک سایگون و از آنجا به جزیره هاینان رسیده و سپس از تنگه واقع میان این جزیره و سرزمین چین عبور کرده و تا بندر خانفو، یا کانتون جدید، پیش رفته است. سفر دریایی از مسقط تا چین بیشتر از چهار ماه طول کشیده است. (کراچکوفسکی، ۱۹۶۳، ج ۱: ۱۴)

۹- قوانین و مقررات مربوط به بازرگانی

نویسندگان مسلمان از قوانین و مقررات مالی سختگیرانه ای در سرزمین چین گزارش نموده‌اند. از جمله هرگاه یکی از دیگری طلبی داشته باشد، طلب خود را می‌نویسد، بدهکار نیز بدهی خود را می‌نویسد و با علامتی که با دو انگشت وسطی و سبابه بر نوشته‌اش می‌زند آن را مهر می‌زند، سپس هر دو نامه را گرفته به هم می‌پیچند (لوله می‌کنند)، در محل اتصال دو نامه حکمی نوشته می‌شود، سپس دو نامه را جدا می‌کنند، نوشته بدهکار را که در آن به بدهی خود اقرار کرده به او می‌دهند. هرگاه کسی، طلب طلبکار خود را انکار کند به او گفته می‌شد، نوشته‌ات را بیاور، اگر بدهکار گمان کند و معتقد باشد که طلبکار مدرکی علیه او ندارد و نوشته‌اش را به خط و مهر خود عرضه کند و نوشته طلبکار از بین برود، به بدهکار گفته می‌شود نوشته‌ای بیاور که نشان دهد تو بدهکار نیستی و به او گفته می‌شود که اگر طلبکار حق خود را ثابت کند بیست ضرب چوب بر پشت تو خواهیم زد و بیست هزار فکوج (معادل دو هزار دینار) جریمه خواهی شد. در مواردی بیست ضربه چوب بدهکار را می‌کشت. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۴۳-۴۴؛ مقدسی، بی تا، ج ۴: ۲۰) در ادامه سیرافی آورده است که کسی در سرزمین چین از ترس تلف شدن جان و مالش این خطر را بر خود روا نمی‌داشت و هیچ کس را ندیده بود که به این امر تن بدهد، از این رو در میان خودشان به انصاف (و عدالت) رفتار می‌کنند و حق هیچ کس را پایمال نمی‌کنند. و در داد و ستدهای خود شاهی نمی‌گیرند و سوگند یاد نمی‌کنند. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۷۴) در چین هنگامی بازرگانی ورشکست می‌شد و اموال دیگران را هدر می‌داد، طلبکاران او را به خاطر اموالشان نزد شاه زندانی می‌کردند. او به مدت یک ماه در زندان می‌ماند و بعد پادشاه او را از زندان بیرون آورده جار می‌زد که این مرد، فلان پسر فلان است که اموال فلان پسر فلان را به هدر داده است. بنا بر این اگر نزد کسی امانتی داشته یا آب و ملکی یا برده‌ای یا هر چیزی که برابر دین او بوده، برای ادا دین آن بدهکار را می‌دادند، بدهکار را هر ماه بیرون می‌آوردند چندین ضربه چوب بر او می‌زدند، اگر کسی اقرار می‌کرد که بدهکار نزد او مالی دارد و چه اقرار نمی‌کرد در هر حال او را می‌زدند و به او می‌گفتند چاره‌ای نیست باید حق مردم را از تو بگیریم و به صاحبش برگردانیم. به او می‌گفتند برای پرداخت حق طلبکاران چاره‌ای پیدا کن، اگر چاره‌ای پیدا نمی‌کرد و نداری او بر پادشاه ثابت می‌شد، طلبکاران را می‌خواستند و طلب آنها را از خزانه «بغون»^۱ که پادشاه بزرگ است، پرداخت می‌کردند. سپس جار می‌زدند که هر کس با این شخص داد و ستد کند (کسی که بدهی‌اش از خزانه

۱. به معنای «پسر آسمان» است.

پادشاه داده شده) به مرگ محکوم می‌شود، بنا بر این در چین مال کسی تپاه نمی‌شد و اگر دانسته می‌شد که بدهکار مالی نزد کسی داشته و آن شخص به این (امانت) اقرار نکرده، امانت‌دار با ضربات چوب کشته می‌شد و به بدهکار کاری نداشتند و مال را می‌گرفتند و میان طلبکاران تقسیم می‌کردند، بدهکار نیز از این پس حق معامله نداشت. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۴۴) طوسی (قرن ۶ ه ق) آورده است نگهبانانی در شهر خانفو بودند که برای پادشاه خانفو از کشتیها خراج می‌گرفتند در مقاطعی که دریا طوفانی بود بارها و کالاهای بازرگانان را به خانه پادشاه می‌بردند و مهتری بر آن می‌زدند تا مدت شش ماه تا زمانی که باد و امواج دریا آرام بگیرد سپس کالاها را به بازرگانان پس می‌دادند. (طوسی، ۱۳۴۵ش: ۲۱۷)

۱۰- پول رایج مردم چین

سیرافی درباره پول رایج در سرزمین چین آورده است که پول رایج آنها فلوس است. که داد و ستد مردم با آن انجام می‌شود. (سیرافی، ۱۳۸۱: ۶۹) سیرافی از واحد پول دیگری به نام فکوج نام برده است که برابر با هزار فلوس است. (همان) جنس این فلوس‌ها از مس است که با فلزات دیگری نیز درهم آمیخته شده است. از آن جمله فلوسی است که به اندازه درهم بغلی^۱ است و در میان آن سوراخ گشادی است تا از آن نخ یا ریسمان عبور کند و ارزش هر هزار فلوس برابر با یک مثقال طلا است. بر هر نخ یا ریسمانی هزار فلوس به رشته درآمده و بر سر هر صد دانه فلوس گرهی وجود دارد. چون خریدار، زمین یا کالا یا حبوبات و چیزهای دیگر می‌خرد، از این فلوس‌ها به اندازه قیمت کالا پرداخت می‌کرد. این گونه فلوس در سیراف هم موجود است که بر آن نقشی به خط مردم چین دارد. (همان: ۹۵) سیرافی دلیل استفاده مردم چین از فلوس را چنین تبیین نموده است که اگر دزدی به منزل مردی از عربها که با دینار و درهم داد و ستد می‌کردند، می‌آمد، می‌توانست ده هزار دینار و ده هزار درهم را با خود ببرد، در این صورت ممکن است صاحب مال از فرط ناراحتی (خشم) هلاک شود و بمیرد. ولی اگر دزدی به خانه یکی از چینی‌ها می‌آمد، بیش از ده هزار فلوس نمی‌توانست با خودش ببرد و این مقدار برابر با ده مثقال طلا بود. (سیرافی، ۱۹۹۹: ۵۷)

۱- درهم بغلی، منسوب به شهری قدیمی نزدیک بابل (از شهرهای عراق) به نام «بَغْل» است. (الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۳۲۹)؛ مساحت آن اندازه ی مساحت دینار می باشد، (جواهر الکلام، ج ۶ ص ۱۱۳-۱۱۹)

۱۱- مالیات در چین

حسن بن زید سیرافی آورده است که در چین از آب و ملک و زمین خراج نمی‌گرفتند و فقط از هر کس مالیات سرانه‌ای به اندازه توانایی مالی او گرفته می‌شد. اگر یکی از اعراب یا دیگران در آن شهر باشند از دارایی آنها جزیه گرفته می‌شود تا اموالشان را محافظت کنند. (همان: ۴۲) هرگاه برای شخصی فرزند پسری به دنیا می‌آمد، نام آن فرزند متولد شده در دفتر پادشاه نوشته می‌شد و زمانی که این فرزند به سن هیجده سالگی می‌رسید از او مالیات سرانه می‌گرفتند و زمانی که به سن هشتاد سالگی می‌رسید از او مالیات نمی‌گرفتند و از خزانه برای او مقرری تعیین می‌کردند، چون به اعتقاد خودشان می‌گفتند زمانی که جوان بود از او مالیات می‌گرفتیم و اکنون که پیر شده است این مالیات را به او باز می‌گردانیم. (سیرافی، ۱۳۸۱ش: ۷۵) مقدسی آورده است در کشور چین هیچ مردی نیست مگر آنکه شمار آنها در دیوان پادشاه ضبط است چرا که وی از ایشان جزیه می‌گیرد. (مقدسی، بی تا، ج: ۴: ۱۹)

روش مالیات‌گیری در بنادر چین این گونه بود که به محض این که دریانوردان به ساحل چین می‌رسیدند چینیان کلیه محمولات و کالاهای آنها را ضبط و در انبارهای مخصوص محافظت می‌کردند. درست مدت شش ماه کالاهای بازرگانان هم چنان حراست و به دقت نگهداری می‌شد تا این که آخرین کشتی با کمک آخرین جریان باد موسمی وارد شود. آن گاه چینیان از هر کدام از کالاهای وارده سی درصد عوارض به طور جنسی اخذ نموده و بقیه آن را به بازرگانان مسترد می‌نمودند. (سیرافی، ۱۳۸۱ش: ۶۹) سیرافی درباره متولیان اخذ مالیات و خراج آورده است، «متولیان امور مالیات و خراج در چین خادمان (غلامان) بودند، گروهی از آنان را از کشورهای اطراف به اسارت گرفته بودند، سپس اخته کرده‌اند و در خدمت پادشاه بودند و گروهی نیز چینیان بودند که پدرانشان آنها را اخته کرده و برای نزدیکی به شاه به او هدیه نموده‌اند. تمام کارهای خصوصی شاه و خزاین او را این خادمان بر عهده دارند.» (سیرافی، ۱۹۹۹: ۵۹)

نتیجه گیری

بررسی تاریخ و تحولات اقتصادی اقوام، ملل و دولت‌ها خواهد توانست مجموعه ای از تجارب و یافته‌های تاریخی را در دسترس قرار دهد. نقد و بررسی ویژگی‌ها و تحولات اقتصادی سایر ملل در گذشته تاریخی خواهد توانست ما را در حل معضلات و نیازمندی‌های جامعه یاری نماید. این تحقیق تلاش داشت تا میزان آگاهی نویسندگان مسلمان از تحولات اقتصادی سایر سرزمین‌ها و دولت‌ها را نیز به بوته آزمایش گذاشته و تصویری قابل سنجش از داده‌ها و آگاهی‌های مسلمانان نسبت به سایر ملل را عرضه نماید. نقد و بررسی توجه نویسندگان مسلمان به ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی سایر ملل نیز منبع مهمی در تحلیل جهان بینی، نگاه اجتماعی، نیاز سنجی و مسئله محوری نویسندگان دانسته خواهد شد. بررسی گزارش‌های نویسندگان مسلمان از اوضاع و تحولات اقتصادی چین حاکی از آن است که این دسته از نویسندگان در کنار روایتگری به موضوعات و تحولات اقتصادی متنوعی از سرزمین چین را مورد توجه قرار داده‌اند. موضوعاتی چون معادن، صنایع و کالاهای ارزشمند چین، نیازها و کالاهای مورد علاقه چینیان، معرفی بنادر و مسیرهای تجارت دریایی و خشکی، معرفی شهرها و قطب‌های اقتصادی چین، قوانین و مقررات تجاری و اقتصادی، نحوه اخذ و بخشودگی مالیات و در نهایت پول‌های رایج و ارزش هر کدام در مقایسه با درهم و دینار اسلامی را گزارش نموده‌اند. مجموعه این اطلاعات برای بازرگانان مسلمان این امکان را فراهم می‌نمود تا تجارتي موفق و بی‌خطر با سرزمین کهن چین را تجربه نمایند.

منابع

- ۱) ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ش.
- ۲) ابن خرداذبه، عیید الله بن عبد الله، المسالك و الممالك، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۹۲ م.
- ۳) ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، محقق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۴) ابن فقیه، احمد بن محمد، مختصرالبلدان، محقق، محمدرضا حکیمی، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۹ ش.
- ۵) ابو حنیفه دینوری، احمد بن داود، اخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
- ۶) ابودلف ینوعی، مسعر بن مهلهل، سفرنامه ابودلف، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۴ ش.
- ۷) بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، تعداد مجلد ۲۵، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- ۸) بکران، محمد نجیب، جهان نامه، مصحح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲ ش.
- ۹) بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع، محقق مصطفی سقا، چاپ سوم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۰) بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
- ۱۱) جودکی، محمد علی، مقاله آینه بینی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- ۱۲) حمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الاقطار، محقق احسان عباس، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چاپ دوم، ۱۹۸۴ م.
- ۱۳) حورانی، جرج، دریانوردی عرب در دریای هند، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۸ ش.
- ۱۴) خطایی، علی اکبر، خطای نامه، محقق ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، محمد معین و سید جعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ ش.
- ۱۶) راغب اصفهانی، أبو القاسم حسین بن محمد معروف، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلاغ، بیروت، شركة دار الأرقم، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۷) رامهرمزی، بزرگ بن شهریار، عجائب الهند بره و بحر، محقق: پیترا تونی و اندر لیت، بیروت، دار و مکتبه بیبلیون، چاپ اول، ۲۰۰۹ م.
- ۱۸) زهری، محمد بن ابی بکر، الجغرافیه، محقق محمد حاج صادق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲ ش.

- ۱۹) ژان ولاگ، ژیری استودولا، گیاهان دارویی، مترجم ساعد زمان، تهران، ققنوس، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۰) سیرافی، حسن بن زید، رحله السیرافی، مصحح عبدالله محمد حبشی، چاپ اول، ابوظبی، المجمع الثقافیه، ۱۹۹۹ م.
- ۲۱) سیرافی، سلیمان، سلسله التواریخ، چاپ اول، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ ش
- ۲۲) طوسی، محمد بن محمود، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، به کوشش منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ ش.
- ۲۳) عنایت الله، رضا، جاده ابریشم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، ۱۳۹۳.
- ۲۴) عنایت الله، رضا، نقش ایران در جاده ابریشم تا پایان عهد ساسانی، مجموعه مقالات دومین اجلاس بین المللی جاده ابریشم، به کوشش محمد باری و آفاق حامد هاشمی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۵) فیتز جرال، تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۶) قره چانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۷) قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، چاپ اول، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۸ م.
- ۲۸) کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ الادب الجغرافی العربی، مترجم به عربی: هاشم، صلاح الدین عثمان، قاهره، مطبعه لجنه التالیف و الترجمة و النشر، ۱۹۶۳ م.
- ۲۹) گردیزی، ابو سعید عبد الحی بن ضحاک بن محمود، زین الاخبار، محقق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۰) مجهول، حدود العالم، محقق یوسف الهادی، چاپ اول، قاهره، دارالثقافیه للنشر، ۱۴۲۳ ق.
- ۳۱) مجهول، مجمل التواریخ و القصص، تحقیق: ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور، ۱۳۱۸ ش.
- ۳۲) مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۳۳) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، کتاب راه نو، ۱۳۸۱ ش.
- ۳۴) مقدسی، شمس الدین محمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ دوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱ ق.
- ۳۵) مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، محقق بورسعید، مکتبه الثقافه الدینییه، بی تا.
- ۳۶) نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، مصحح عباس قوچانی، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- ۳۷) یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
- ۳۸) یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، محقق محمد امین ضناوی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.